

# گلستان سعدی

تصحیح و توضیح  
دکتر غلامحسین یوسفی

شرکت سهامی انتشارات خوارزمی

## این گلستان همیشه خوش باشد

دکتر محمدجعفر یاحقی

همزمان کسان دیگری هم شرح و تفسیر و در کنار آن چاپهای مستقلی از گلستان - چه به طور جداگانه و چه در مجموعه کلیات - به دست داده اند، و این کار تا آن جا دامن گستر شده است که امروز می توان سرگذشت گلستان سعدی را، از خطی تا چاپی و از اولین چاپ تا امروز، موضوع پژوهشی گسترده و درازدامن قرار داد و با کوشش و جست و جویی در حد استقصا سیر تاریخی و احتمالاً کمالی مسأله را نشان داد.

پس از این همه دست نویس و چاپ و شرح و گزیده و بهگزیده و برگزیده که اجزاء گلستان را به بافتها و لایه های زیرین فرهنگ ایرانی نفوذ داده و رسوباتی از واژه ها و مفاهیم و معانی بلند و روح پرور آن را در خاطره نسلها - حتی نسل شتابزده روزگار ما - نه نشین کرده است، دوباره به پهنای کار باز شدن و با ارمغانی طرفه تر از پیش به بازار آمدن همتی مردانه و کوشش و دانشی فراخور می طلبد؛ و این همه را دکتر غلامحسین یوسفی استاد فرهیخته و ادب آموخته دانشگاه فردوسی مشهد - که ایام تقاعد خود را مثل دوران اشتغال به پژوهش و تتبع می گذراند - داشته و در طبع حاضر که با سرمایه شرکت انتشارات خوارزمی همین روزها به بازار آمده، صمیمانه در طبق اخلاص گذاشته است.

انتشارات خوارزمی چند سال پیش بوستان سعدی با تصحیح و توضیح استاد یوسفی را تجدید چاپ کرد<sup>۱</sup> و با این کار قدم نخستین را در راه نشر پاکیزه مجموعه آثار شیخ اجل برداشت. از آن روز باز همه کسانی که به نحوی با دکتر یوسفی و روال منظم

گلستان سعدی، تصحیح و توضیح غلامحسین یوسفی، تهران، شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، چاپ اول، ۱۳۶۸.

از تاریخ انتشار نخستین چاپ گلستان سعدی در دنیا، به زبان فرانسه سیصد و پنجاه و پنج سال می گذرد. گلستان نخستین کتاب فارسی بود که بر دست شخصی به نام آندره ریه (André Rier) در سال ۱۶۳۴ به فرانسه ترجمه شد. از آن پس دهها ترجمه و چندین چاپ معتبر از این کتاب در کشورهای اروپایی صورت گرفت و شاعران و نویسندگان غربی را با گنجینه ای کرآمد از تجارب اجتماعی و سیاسی و اخلاقی مشرق زمین روبرو ساخت.<sup>۲</sup> در سال ۱۸۲۲/۱۲۳۸ که میرزا صالح شیرازی از اروپا به ایران بازگشت و همکار و همسفر خود میرزا جعفر را مأمور تأسیس و راه اندازی اولین مطبعه در شهر تبریز کرد، نخستین کتابی که در ایران به چاپ رسید، گلستان سعدی بود.<sup>۳</sup> سه سال بعد یعنی در سال ۱۸۲۵ در کلکته چاپ دیگری از گلستان به بازار آمد، و از آن پس چاپهای دیگری در هند و اروپا و ایران به سامان رسید. محمدعلی فروغی در سال ۱۳۱۶ ش. به مناسبت هفتصدمین سال تألیف گلستان، نخستین طبع پاکیزه انتقادی آن را به همراه بوستان منتشر کرد و به دنبال آن بقیه آثار شیخ اجل را وجهه همت قرار داد. پس از آن و تا همین امروز، هم آن چاپ فروغی چندین بار تجدید شده و هم چندین چاپ دیگر از روی آن و به نام آن مرحوم یا به نام دیگران به فروش رفته است.



در بخش نخست، پیش از متن مصحح به عنوان مقدمه کتاب گفتاری آمده است با عنوان «استاد سخن» که به جای پرداختن به کلیاتی مبرهن و اغلب نالازم، از قبیل شرح احوال و محیط و روزگار نویسنده کتاب، عبارت است از نقد و تحلیلی ظریف و موشکافانه بر گلستان؛ در این بحث که پیش از این در کتاب دیداری با اهل قلم<sup>۲</sup> هم به چاپ رسیده، مقصود نویسنده آن بوده است که به جای ستایش محض از سعدی و آثار او، درباره کتاب و جنبه‌های گوناگون آن تأملی بسزا صورت گیرد تا خواننده را با کمک آن دریافتی روشن و واضح و در عین حال سنجیده و ناقدانه از کتاب حاصل آید.

تصحیح متن کتاب با استفاده از هفده نسخه خطی و برخوردار از چاپهای معتبر داخلی و خارجی و شرحها و ترجمه‌های گلستان به زبانهای بیگانه صورت گرفته است. جویندگان می‌توانند شرح نسخه‌های هفده گانه این چاپ را در صفحات ۱۸ تا ۲۱ مقدمه کتاب ملاحظه کنند. از بین نسخه‌های یاد شده مصحح نسخه متعلق به کتابخانه بنیاد بودمر را که ابتدا در لندن بوده و بعد دست به دست گشته و اینک در ژنو نگهداری می‌شود، با وجود آن که از دیگر نسخ قدیمی تر نیست، به دلیل کمال و اعتبار، اساس کار خود قرار داده است. این نسخه به خط عبدالصمد بن محمد بن محمود بن خلیفه بن عبدالسلام بیضاوی و تاریخ آن - که در پایان بوستان آمده - ماه صفر سال ۷۲۰ هـ. است. نسخه حاوی تمام کلیات سعدی است و بوستان آن هم به همین دلیل اساس طبع مصحح بوده است. از میان بقیه نسخه‌ها، نسخه کلیات متعلق به کتابخانه فرهنگستان علوم تاجیکستان شوروی در چند جا تاریخهای کهنتری داشته (مثلاً ۶۳۰ پایان بدایع، ۶۵۳ پایان گلستان و ۶۶۹ پایان قطعات و رباعیات) که چون اصالت آنها محل تأمل بوده و اعتبار ضبطهای آن به پای اساس نمی‌رسیده است، از آن به عنوان نسخه بدل استفاده شده است. رستم علی‌یف نیز تاریخهای مضبوط در این نسخه را نپذیرفته و به حدس تحریر آن را بین سالهای ۶۹۱ تا ۷۲۶ (یا ۷۰۰) تصور کرده و آن را اساس کار خود در تصحیح بوستان قرار داده است. نسخه کلیات محفوظ در کتابخانه سلطنتی تهران هم به خط یاقوت مستعصمی (م. ۶۹۸ هـ) منسوب است و با وجود آن که تاریخ کتابت نسخه خوانا نیست، در مقدمه چاپ عکسی که از آن انتشار یافته، اواخر ماه رمضان ۶۶۸ دانسته شده است؛ با این حال این نسخه هم به علت افتادگیها و نقائص و اغلاط فراوان ناگزیر به عنوان نسخه بدل مورد استفاده قرار گرفته است. یکی از نسخه‌های محفوظ در کتابخانه آستان قدس رضوی، تنها مقدمه گلستان را در بر می‌گیرد، که در مجموعه‌ای شامل چند کتاب کوچک خطی به شماره ۵۴۵ حکمت و کلام به خط احمد بن محمد

کارهای او آشنا بودند می‌دانستند که روزی - مثل امروز - گلستان، و روزهای دیگر - بهتر از امروز آن‌شاء الله - بقیه آثار و اشعار «استاد سخن» با تصحیح و توضیح او به عنوان نقطه عطفی در سیر چاپ و نشر آثار سعدی به بازار خواهد آمد؛ و اینک در مقدمه این کتاب (ص ۱۷) مصحح ارجمند رسماً این نوید را به دوستان آن آثار شیخ شیراز، یعنی قاطبه فارسی‌زبانان و پارسی‌دوستان داده است.

در این روزگار و با وجود این همه چاپ و شرح و تفسیر، طبیعی تازه و مقبول با شرح و توضیحی در خور به دست دادن، در ظاهر امر و در چشم ناخبرگان، کاری ساده و به‌واقع و در نظر اهل فن، امری بس دشوار و تا حدودی ناممکن است؛ زیرا انس و آشنایی روزافزون خوانندگان با ضبط چاپهای پیشین و دمسازی با شرح و تفسیرهای موجود ذهنها را هم در برابر تغییرات احتمالی نسخه‌های کهن و ضبطهای اصیل - که مدعای عمده این گونه تصحیحات است - و هم نهایتاً شرح و تعبیرها و معانی باز یافته نامعهد، سرسخت و ناپذیرا می‌کند، و سؤال انگیزها و جانفیتادهای بسیاری را سبب می‌شود؛ اما راهی که دکتر یوسفی برگزیده و شیوه‌ای که در برخورد با اصالت نسخه‌ها و کیفیت توأم با نقد و نظری که در مواجهه با آراء دیگر شارحان در پیش گرفته است، خواننده با انصاف را از هر جهت متقاعد می‌کند که خود را با اجتهادی تازه روبرو ببیند و به‌رغم همسانیها و همگونگیهای بسیاری که با دیگر چاپها احساس می‌کند، آن را کاری نوآیین و سزاوار تحسین و احترام تصور کند. این چاپ از گلستان سعدی که در ۸۱۵ صفحه تدارک یافته و بی‌گمان جامعترین توضیحات و مفصلترین نسخه بدلها را در بر دارد، از سه بخش مستقل (متن، توضیحات و شرح نسخه بدلها) تشکیل شده است و در پایان هم فهرستهای متعدد و کارگشا، و از آن جمله فهرست لغات و ترکیبات، آیات قرآن کریم، احادیث، اشعار و جمله‌های عربی، اشعار فارسی، امثال و حکم، اعلام و سرانجام هم فهرست مراجع، برای آن تدارک دیده شده است.

حاجی کاموسی به تاریخ محرم ۷۰۰ هـ. آمده و به دلیل نقص کلی طبعاً نمی توانسته است اساس قرار گیرد. نسخه کلیات متعلق به کتابخانه دیوان هند در لندن - که خود این جانب هم از نزدیک در مطالعه گرفته و زمانی که برای استفاده از فرصت مطالعاتی در انگلستان به سر می برده، عکس قسمتهایی از آن را برای استاد یوسفی ارسال داشته است - نسخه مضبوط و معتبری است که هر چند تاریخ تحریرش اول رجب ۷۲۸ است اما بر ورق «۳۱۰ر» آن نوشته شده است: «منقول من خط الشیخ العارف... السعدی» با این حال به دلیل پاره‌ای آشفته‌گیها در قسمتهایی از گلستان نتوانسته است نظر مصحح را به عنوان نسخه اساس جلب کند. ذکر این تاریخها و اشاره به برخی ازین نسخه‌ها را از آن رو لازم دانستم تا نشان بدهد که چگونه استاد یوسفی با شکیبایی و حوصله نسخه‌ها را مقایسه کرده و بدون این که از یافتن نسخه‌های تاریخ‌دار کهن ذوق زده شود، از روی متانت و آهستگی علمی و با تکیه بر موازین نقد و تصحیح متون، بهترین نسخه را - به‌رغم نسخه‌ها و چاپهای دیگر - اساس کار خود قرار داده است، بدون این که یکسره و ناباورانه نسخه‌ها و چاپهای دیگر را - که در عدم اصالت برخی از آنها تقریباً جای شبهه‌ای نیست - نادیده بگیرد. کما این که به تصریح، از بسیاری از چاپها و شرحهای معتبر گلستان هم سود برده است (نام و یاد برخی از این چاپها و شرحها در ص ۲۱ مقدمه آمده است).

بنابراین اگر خوانندگانی که از دیرباز با گلستان سعدی انس داشته‌اند، در پاره‌ای موارد بین ضبط متن حاضر، با صورت معهود و مطلوب خویش تفاوت‌هایی ببینند، با مراجعه به شرح نسخه بدلهای صورت مورد نظر خود را باز خواهند یافت و به مصحح ارجمند حق خواهند داد که برابر با اصولی که در تصحیح کتاب به کار گرفته، ناگزیر بوده است صورت مختار خود را در متن بیاورد و تمامی ضبطها را به حواشی مبسوط کتاب منتقل کند.

چنانکه گفتیم چاپ حاضر بر اساس نسخه «گ» محفوظ در کتابخانه بنیاد بودمر ژنو، فراهم آمده است؛ در تصحیح کتاب هر جا ضبط نسخه اساس محل تأمل بوده و یا نقصانی داشته و یا از جهاتی دیگر توضیح و اظهار نظری ضرورت پیدا می کرده، در شرح نسخه بدلهای (از صفحه ۵۶۰ تا ۶۹۷) با ذکر صفحه و سطر به اختصار ذکر شده است. خواننده در متن کتاب افزودگیهایی در میان دو قلاب [ ] می بیند؛ هر چند در مقدمه به چگونگی این افزوده‌ها اشارتی نرفته، با این حال در شرح نسخه بدلهای اغلب - و ظاهراً نه در همه موارد - از نسخه‌هایی که بر اساس آنها این افزایشها ضروری می نموده است، یاد شده است. مصحح به مراعات حال خوانندگان - که در این گونه کتابها می توانند دانشجویان و عموم افراد نامتخصص اما پارسی دوست نیز

باشند - تمام توضیحات مربوط به نسخه بدلهای را در پایان و پس از شرح و توضیح موارد مبهم کتاب آورده است، و حال آن که از جهات بسیار، آوردن شرح نسخه بدلهای در حواشی صفحات - به‌رغم مشکلی که در امر حروف چینی و شماره‌بندی ایجاد می کند - مطلوبتر می نماید.

روی هم رفته باید گفت که این بخش از کتاب یعنی شرح نسخه بدلهای بیشتر به کار خواص و جویندگان وجوه اصالت سخن سعدی می آید تا عموم خوانندگان؛ اگر مشکلات چاپ تا بدین حد گلوگیر و قیمتها با این شتاب رو به افزایش نبود، آرزو می کردیم کاش استاد یوسفی با صرف نظر کردن از شرح نسخه بدلهای و کم کردن از پاره‌ای توضیحات کاملاً تخصصی و عالمانه بر اساس همین چاپ - به مانند کاری که در مورد قابوسنامه و بوستان پیش از این کرده‌اند - متنی سهل‌التناول و اندکی ارزانتر برای استفاده دانشجویان و عامه خوانندگان به دست می دادند.

اما کار عمده مصحح به حق پس از تدارک این متن منقح در واقع تهیه و تدوین ۳۶۴ صفحه توضیحات کتاب است که علی القاعده باید بیشترین وقت و مقبولترین مجاهدتهای وی را نیز به خود اختصاص داده باشد؛ بخصوص که این مقدار شرح و توضیح با همه درازی مختصر است و در خور همت آدمهای کوششگر است. برای فراهم آوردن این بخش از کتاب - که با وجود شرحهای کوتاه و بلند گلستان از قدیم و جدید و توضیح و تفسیرهایی بی شمار که از بخشها و حکایت‌های متعدد و پراکنده گلستان در این و آن گلچین و کتاب درسی شده است مدعیان زیادی خواهد داشت و بسیاری از شارحان قبلی، خود را در تدارک این شرح سهیم خواهند دانست - دکتر یوسفی دست به تلاشی وسیع و زمانگیر زده است و انبوهی از این شرحها به فارسی و چندین زبان بیگانه را از نظر گذرانیده و در واقع عصاره دریافت پیشینیان را با دانش و بینش ادبی خود آزموده و آنگاه به عنوان تفسیر نهایی و فرجامین گلستان - دست کم تا روزگار حاضر - عرضه داشته است.

شاید بتوان ادعا کرد که در کمتر کتابی از این قبیل، به اندازه چاپ حاضر تحقیقات بیگانگان - اعم از عربی، انگلیسی، فرانسوی و... - درباره موضوع مورد شرح، دیده شده است؛ این نکته هست که شاید هیچ کتابی از متون فارسی به اندازه گلستان هم به دلایل روشن، در بیرون از مرزهای ایران اثر نگذاشته و در نتیجه مورد توجه و تفسیر و شرح بیگانگان قرار نگرفته است. چنان که پیداست هم مصحح همه جا بر این بوده است که هم ضمن توضیح کافی و مفید نکته‌ای شرح نشده باقی نماند و هم در عین حال حمی از ذوی الحقوق پیشین ضایع نگردد؛ برای حصول

که مصحح محترم اختیار کرده، به گمان ما هم از لحاظ علمی نادرست نیست.

در شرح این گونه کتابها که جنبهٔ درسی و استفادهٔ عام دارد، همواره يك مشکل کوچک دیگر هم پیش پای شارح هست؛ و آن این که همیشه این موضوع مطرح است که چه کلمه‌ای محتاج به شرح است و چه کلمه یا تعبیری بی‌نیاز از توضیح؟ البته خود شارح به دلیل لزوم استغراق در متن و انس با معانی و مفاهیم، به‌دشواری می‌تواند این ضرورت را تشخیص بدهد. داوری خواستن از شخصی ثالث و خالی‌الذهن، در این گونه موارد بیشتر می‌تواند مفید فایده شد. نویسندهٔ این سطور اطلاع دارد که استاد یوسفی در مورد شرح بوستان خویش این کار را کرده است و گمان می‌کند که ایشان در مورد گلستان هم به همین راه رفته باشند، با این حال هنوز هم ممکن است برای برخی از خوانندگان دربارهٔ عدم ضرورت برخی از کلمه‌هایی که معنی شده و نیاز به معنای پاره‌ای واژه‌ها و تعبیراتی که ایشان با مظنهٔ خود ساده تشخیص داده و از سر آن گذشته‌اند، جای سخن باقی باشد. من اطمینان دارم که مورد اخیر - اگر هم پیدا بشود - هرگز از لون کارهای برخی از شارحان تن آسان و بی‌مسئولیتی نیست، که توسن قلم در میدان بدیهیات و مسلمات می‌جهانند و به دلیل همان تن آسانی معهود، همه یا اغلب آن مواردی را که تقریباً برای همگان سؤال‌انگیز و مبهم است، نادیده می‌انگارند و از شرح و توضیح آن تن می‌زنند.

روی هم رفته کوشش درخوری که شارح در گردآوری اهم آراء و شرح‌های پیشین و نقد و نظر دربارهٔ اغلب آنها به‌خرج داده، کتاب حاضر را - علاوه بر فواید جانبی دیگر - حدوداً به‌صورت مرجعی متضمن عمده‌ترین نقد و نظرها دربارهٔ موارد مشکوک و مبهم گلستان قرار داده است، تا آن‌جا که دارندۀ این چاپ هم می‌تواند تا حدودی از داشتن تمامی چاپ‌های پیشین بی‌نیاز باشد و هم احتیاجی به مراجعه به شرح‌های قبلی کتاب را، مگر به‌منظور مقایسه و تطبیق، در خود احساس نکند.

سعدی در گلستان به تعبیر خود استاد یوسفی «پادشاه سخن»<sup>۴</sup> و آیت مسلم نویسنده‌گی پارسی است، بنابراین در شاهکار او گلستان، انواع هنرها و تفننها به‌کار آمده و کتاب را از نکات بلاغی و بدیعی و انواع هنرپردازیها و صنعتگریها سرشار کرده است. در شرح استاد یوسفی جای توضیح پاره‌ای نکات بلاغی و اشاره به برخی صناعات که موجب تزئین کلام و زیبایی سخن شده، و روی هم رفته با استفاده از خصایص زیباشناسی و ویژگیهای بدیعی، نثر کتاب را از میان آثار مشابه ممتاز کرده است، خالی به‌نظر می‌آید، به‌خصوص که در این گونه متنهای درسی و کلاسیک، به‌حق یا ناحق، رغبت معلمان - اگر نه دانشجویان - به



این منظور اغلب و بویژه در موارد بحث‌انگیز، اقوال و معانی دیگر با ذکر مأخذ یکی پس از دیگری نقل شده و آنگاه با احتیاط و احترام وجه راجح به نظر مصحح بازنموده آمده است.

با همهٔ کوششی که در رعایت جانب اختصار رفته است، سرشت برخی از واژه‌ها و مفاهیم به دلیل این که از قدیم مورد بحث و محل اختلاف شارحان بوده است، ایجاب می‌کرده است که در آن موردها سخن به‌شرح و تفصیل بیشتری بگراید و حتی در پاره‌ای موارد، مثل بحث از قصب‌الجیب (ص ۲۰۵)، سنگ سراچهٔ دل (ص ۲۱۲)، اگر و معانی آن (ص ۲۲۶)، بنی آدم اعضای یکدیگرند (ص ۲۶۴) و ... به مقالتی کوتاه تبدیل شود.

شیوهٔ درست کار از يك طرف و تقید به رعایت جانب اختصار از طرف دیگر، سبب شده است که شارح از تکرار موارد شرح به‌دقت سر باز زند و به‌جای آن واژه‌های تکراری به توضیحات مشابه پیشین ارجاع گردد. این شیوه در جاهایی که توضیحات مفصل بوده است در مجموع مفید اختصار هست، اما فی‌المثل در مورد معنی کردن واژه‌های بسیط و دارای معنایی در حد يك یا دو کلمه، نه‌تنها در حجم کار صرفه‌جویی چندانی به‌عمل نیامده، بلکه گاه همان عبارتی که برای ارجاع به‌کار رفته در نهایت افزون از یکی دو کلمه‌ای بوده که می‌توانسته است متضمن معنای واژه مورد نظر باشد. به‌گمان ما اگر این واژه‌های بسیط، در همان واژه‌نامهٔ پایان کتاب معنی می‌شد و در توضیحات فقط موارد مشروح و مفصل می‌آمد، شاید به‌مقدار زیادی در حجم کار و در نتیجه کمیت صفحات کتاب صرفه‌جویی می‌شد، هر چند روشی

دانستن صناعات ادبی، بازیگریهای لفظی و پاره‌ای خصایص دستوری مثل بحث انواع اضافه، بیشتر است.

وظیفه سنگین دیگری که شارح محترم مسؤولانه، و بدون این که لزوماً از او خواسته شده باشد، بر دوش کشیده، پیدا کردن مآخذ برخی از قصص و تمثیلهای گلستان است، به این معنی که ردپای برخی از حکایتها و تمثیلهای کتاب در متون قبلی نموده شده و بعضاً برای هر داستان چند مآخذ و یا نمونه مشابه از خلال کتابهای عربی یا فارسی به دست داده شده است، تا آن جا که در پاره‌ای موارد شرح کاملاً جنبه تطبیقی (یا به تعبیر اصح آن مقایسه‌ای) پیدا کرده است. بدیهی است این گونه جست‌وجوها هم راه دراز و پرهاس تحقیق را از پیش پای پژوهندگان برمی‌دارد، و هم جاذبه کلام را تا حدودی برای عموم و بویژه دانش‌پژوهان نوآموز بیشتر می‌کند. به عنوان نمونه خواننده می‌تواند به این نکته در صفحه ۲۷۷ (حکایت آن روباه ...)، ص ۲۹۶ (شفا یافت ...)، ص ۳۱۵ (خصیب ...)، ص ۳۵۰ (در حیوانی اثر کرد ...)، ص ۵۴۴ (لقمان و داود) و ... توجه کند. همه این مقایسه‌ها در نهایت اختصار صورت گرفته و هر چند که ممکن است کثرت منابع و مآخذ فارسی و عربی و گاه فرنگی، برای خوانندگان غیرمتخصص خسته‌کننده بنماید، در اهمیت و ضرورت آن برای اهل تحقیق هیچ گونه تردیدی نمی‌توان رواداشت.

جست‌وجوی مقایسه‌ای شارح به این موردها منحصر نمانده است، بلکه مضمونهای مشابه مضامین گلستان، چه از غزلیات و بوستان و دیگر آثار سعدی و دو اوین برخی از شعرای سلف، و چه حتی از شاعران و نویسندگان غربی، هم بدون این که شائبه فضل فروشی و تفصیل بی‌مورد را به ذهن متبادر کند، جسته شده و به مجموعه کار و جاهدت و سنگینی درخور احترامی بخشیده است. همین جست‌وجوهای گسترده است که فهرست مراجع پایان کتاب (صفحات ۸۰۶ تا ۸۱۵) را گرانبار و در عین حال شگفت‌انگیز کرده است. بی‌آنکه بخواهم بر جنبه‌های کمی کتاب تأکید خاصی بکنم، یا همچون پاره‌ای مؤلفان غافل، کثرت منابع و مآخذ را صرفاً عامل توفیق یا ترجیح یک تحقیق بدانم، اعتراف می‌کنم که برای تصحیح یک کتاب یکصد و چهل صفحه‌ای (گلستان بر اساس همین چاپ) ۲۰۷ کتاب و مآخذ فارسی و عربی و ۱۸ مآخذ کوتاه و بلند فرنگی را دیدن و از آنها بهره بردن، کوشش احترام‌انگیزی است که دست کم منصفان از اهل تحقیق را به شگفتی وامی‌دارد.

نمی‌توان ادعا کرد که تمام معانی و توضیحات بی‌کم و کاست و درست همان چیزی است که باید می‌بود؛ بلکه ممکن است خواننده نکته‌بین به مواردی برخورد کند که بگوید: کاش به این و

آن نکته هم اشاره می‌شد و یا به جای این عبارت آن جمله می‌آمد و به رابطه این مضمون با آن نکته هم توجه می‌کردند؛ اما همه این کاشکیها و شایدها که به عدد افراد گونه‌گون و رنگارنگ هم می‌تواند بود بجای خود؛ آنچه حقیقت دارد این است که چاپ حاضر بیش از هر چاپ و شرح دیگری، به کمال مطلوب نزدیک شده و توقع جویندگان کلام سعدی را برآورده است.

چاپ کتاب هم، همچون محتوای علمی آن آراسته و برازنده از آب درآمده است. تنوع حروف، تناسب سطرها و نظم فنی چاپ که نظارت مستقیم و وسواس آمیز مصحح را به دنبال داشته است، چشمگیر و هنری است؛ هر چند ممکن است بسیاری از خوانندگان آسان‌طلب با ریز بودن حروف بویژه در بخش توضیحات و شرح نسخه بدلها و فهارس موافق نباشند. تمام جملات و عبارتهای عربی و اغلب لغات فارسی در سرتاسر کتاب، به‌رغم دشواری کار و مسؤولیت خطیری که از جهت تصحیح نمونه‌های مطبعی و پیدا شدن غلطهای چاپی بر دوش مصحح می‌گذارد، اعراب‌گذاری شده است. کسانی که با امور فنی چاپ از نزدیک آشنایی دارند، می‌دانند که قبول چنین وظیفه‌ای تا چه حد دشوار است! با همه این احوال می‌توان آرزو کرد که ای کاش برخی اعرابهای ضروری دیگر، و از آن جمله موارد اضافه در متن کتاب هم بر این افزوده می‌شد، که در آن صورت دعای خیر معلم و متعلم را بیش از پیش به دنبال می‌داشت. دقت دکتر یوسفی در تصحیح نمونه‌های مطبعی هم مثل موردهای علمی کار نمونه است، و بهمین دلیل کتابهای ایشان از جمله کم‌غلط‌ترین کتابهایی است که در ایران به چاپ می‌رسد. با این حال تعدادی غلطهای چاپی نیز به همین کتاب راه یافته و حتی مواردی از آنها در همین تورق اجمالی اخیر به چشم من نیز آمده است. در بغم می‌آید این معرفی ناقص را با ذکر برخی غلطهای مطبعی بی‌الایم که رونق بازار دیگر کتابها و چاپها پنج و شش روز بیشتر نیست «وین گلستان همیشه خوش باشد».

## حاشیه:

- ۱) رك: عبدالحسين زرين كوب، «سعدی در اروپا»، یادداشتها و اندیشه‌ها، تهران، سازمان انتشارات جاویدان، چاپ سوم، ۱۳۵۶، ص ۱۷۷.
- ۲) یحیی‌آرین پور، از صبا تا نیما، تهران، شرکت سهامی کتابهای جیبی، چاپ دوم، ۱۳۵۱، ج ۱، ص ۲۳۱.
- ۳) رك: سعید حمیدیان، «حسن روزافزون بوستان»، نشر دانش، سال دوم، ش ۴ (خرداد و تیر ۱۳۶۱)، ص ۳۲ تا ۴۹؛ سعید حمیدیان، «بوستان سعدی، به تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی»، نشر دانش، سال پنجم، ش ۶ (مهر و آبان ۱۳۶۴)، ص ۵۶؛ ایرج وامقی، «سیری در بوستان»، نشر دانش، سال ششم، ش ۱ (آذر و دی ۱۳۶۴)، ص ۱۰.
- ۴) رك: غلامحسین یوسفی، دیداری با اهل قلم، درباره بیست کتاب تشریح فارسی، مشهد، چاپ و انتشارات دانشگاه فردوسی، ۱۳۵۵، جلد اول، ص ۲۴۷ به بعد.